



طراحی مدل شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی و تأثیر آن بر راهبرد بهینه مدیریت سرمایه در گردش: مطالعه موردی شرکت‌های فعال در صنعت فولاد

محسن شیرینی بابادی^۱

اله کرم صالحی^۲ ✉

صابر ملاعلیزاده^۳

علیرضا جرجرزاده^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

چکیده

شیوه‌های گزارشگری مالی به عنوان یک راهبرد اطلاعاتی، ضمن اینکه می‌تواند به افزایش تعامل ارتباطی شرکت با ذینفعان کمک نماید، در عین حال می‌تواند بر مسیر آتی شرکت از نظر اتخاذ سطح بهینه سرمایه در گردش، موثر باشد. گزارشگری بینامتنیت مالی رویکردی سیستماتیک و مبتنی بر ادراک متعامل بین شرکت با ذینفعان محسوب می‌شود که امکان ارائه ی صورت‌های مالی مقایسه‌پذیر را در یک بازار رقابتی فراهم می‌نماید و از طریق آن می‌تواند به دلیل ایجاد اطمینان فرآیندها در بازار، سیاست‌های بهینه ی سرمایه در گردش شرکت‌های فعال در صنعت فولاد را تحت تأثیر قرار دهد. هدف این پژوهش طراحی مدل شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی و تأثیر آن بر راهبرد بهینه مدیریت سرمایه در گردش شرکت‌های فعال در صنعت فولاد می‌باشد. روش شناسی این پژوهش آمیخته بود که در بخش کیفی از تحلیل گرنند تئوری براساس رویکرد گلیر جهت تدوین مدل و در بخش کمی از تحلیل واریانس استفاده شد. در واقع هدف از انجام تحلیل در بخش کیفی ارائه ی مدل و در بخش کمی، واکاوی تفاوت شیوه‌های گزارشگری بینامتنیت مالی در اتخاذ بهینه ی مدیریت سرمایه در گردش بود. جامعه هدف در بخش کیفی ۱۲ نفر از متخصصان دانشگاهی بودند که چه به لحاظ علمی و چه به لحاظ تجربی، خبره تلقی می‌شدند. فرآیند انتخاب افراد شیوه‌ی نمونه گیری نظری براساس دانش تجربی در حرفه حسابداری بود. اما جامعه هدف در بخش کمی، مدیران بخش حسابداری شرکت‌های فعال در صنعت فولاد بودند که براساس تجربه‌های کاری و سطح دانش فنی و تخصصی باتوجه به سطح خطا ۵ درصد و توان آزمون ۹۰ درصد، تعداد ۲ گروه ۵۰ نفر تعیین براساس تفکیک متغیرهای جمعیت شناختی در خصوص تفاوت شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی بر مدیریت بهینه‌ی سرمایه در گردش انتخاب و مشارکت داشتند. نتایج پژوهش در بخش کیفی از وجود ۲ مقوله، ۴ مولفه و ۲۲ کد مفهومی حکایت دارد که شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی را در قالب یک مدل پکیارچه ۴ ضلعی بسط‌سازی نموده است. همچنین نتایج در بخش کمی باتوجه به دو مقوله ی رویکرد راهبردی و عملیاتی بینامتنیت گزارشگری مالی نشان داد، رویکرد بینامتنیت راهبردی در گزارشگری مالی بر مدیریت بهینه سرمایه در گردش نسبت به رویکرد بینامتنیت عملیاتی در گزارشگری مالی تفاوت معناداری دارد.

واژه‌های کلیدی: رویکرد بینامتنیت راهبردی؛ رویکرد بینامتنیت عملیاتی؛ راهبرد بهینه مدیریت سرمایه در گردش

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی، واحد مسجدسلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجدسلیمان، ایران. msh.ksc1361@gmail.com

^۲ استادیار گروه حسابداری، واحد مسجدسلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجدسلیمان، ایران (نویسنده مسئول): A.K.salehi@iaumis.ac.ir

^۳ استادیار گروه مهندسی صنایع، واحد مسجدسلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجدسلیمان، ایران. Saber.alizadeh@gmail.com

^۴ استادیار گروه اقتصاد، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. arjorjor@yahoo.com

مقدمه

با تحول هنجارهای اجتماعی و گستردگی سرعت انتقال اطلاعات از بازار به ذینفعان در دنیای امروز، فرآیندهای افشای اطلاعات نیز تغییر یافته است. به طوریکه نیازهای اطلاعاتی ذینفعان که برآمده از متن جامعه می‌باشد، راهبردهای گزارشگری مالی را در سطح بازار سرمایه مشخص می‌کند (خیمیزآگیلرا و همکاران^۱، ۲۰۲۱). در واقع افشای اطلاعات به عنوان بخشی از مراوده‌های شرکت با ذینفعان تلقی می‌شود که به عنوان یک مزیت رقابتی می‌تواند باعث تفاوت بین شرکت‌ها گردد (تفتیان و همکاران، ۱۴۰۰). این تفاوت‌ها از نوع شناخت و اهمیت ساختار شرکت از نیازهای اطلاعاتی و رسیدن مزیت رقابتی نشأت می‌گیرد و می‌تواند به توسعه پایدارتر یک شرکت در برابر ذینفعان منجر شود. گزارشگری بینامتنیت مالی شیوه‌ایی از ادراک مجموعه‌ی صورتهای مالی و گزارش‌های همراه می‌باشد که به توسعه‌ی شناخت ذینفعان درونی و بیرونی شرکت کمک می‌کند و مبنای تحلیلی قابل استدلال تری را برای تصمیم‌گیری‌ها به ذینفعان ارائه می‌دهد (پرایس و همکاران^۲، ۲۰۱۸). در این شیوه یک شرکت از طریق کاربست‌های سیستمی تلاش می‌کند تا با ارزیابی مستمر بسترهای اجتماعی از نظر نیازهای ذینفعان بیرونی اعم از سهامداران، سرمایه‌گذاران، تحلیلگران؛ قانونگذاران و غیره، فرآیندهای عملیاتی خود را برای افشای هرچه شفاف‌تر اطلاعات به کار گیرند تا از این طریق به نیازهای ذینفعان پاسخ قابل توجه‌تری جهت حفظ تعامل بلندمدت بین شرکت با ذینفعان داده شود (دیدار و وکیلی، ۱۳۹۶). اگرچه این مفهوم به لحاظ کارکردی، ریشه در مفاهیم مشابه همچون لحن و زبان گزارشگری و حسابداری گفتمان می‌تواند داشته باشد، اما بینامتنیت شیوه‌ایی از گزارشگری مالی است که با پایبندی به فرائض فلسفی ضمن پوشش مفاهیم فوق، به دنبال اقناع نیازهای اطلاعاتی از طریق چرخه‌ی اطلاعاتی بین شرکت با ذینفعان می‌باشد (نواگیارا و بیلال^۳، ۲۰۱۹). زیرا توسعه‌ی این رویکرد شرکت جهت تعامل با ذینفعان، نوعی جذب دانش از بسترهای اطلاعاتی و مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی است که با اجتناب از فرآیندهای تحمیلی و یک سویه به دنبال ایجاد اثربخشی بیشتر بین

کارکردهای شرکت در گزارشگری مالی با نیازهای واقعی و برآمده از انتظارات اجتماعی می‌باشد (کوآین و سان^۴، ۲۰۲۱). اما سوال اینجاست چه مکانیزم یا راهبردی می‌تواند به تقویت این شیوه از گزارشگری مالی در سطح شرکت‌های فعال در صنعت فولاد کمک نماید؟ چراکه براساس تعریف شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی مشخص است، سلسله فرآیندهایی است که به ایجاد یک چرخه‌ی اطلاعاتی از بیرون تا داخل شرکت را در بر می‌گیرد و مجدداً براساس فرآیندهای سازمانی آن را به بیرون مخابره می‌کنند. یکی از راهبردهای موثر بر شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی، مدیریت سرمایه در گردش^۵ می‌باشد. در واقع سرمایه در گردش به دلیل ارتقای سطح انعطاف‌پذیری مالی شرکت نقش اثربخشی در ایجاد ادراک مثبت در ذینفعان خواهد داشت، چراکه برحسب نظریه انتخاب عمومی، سرمایه‌گذاران به عنوان افراد عقلایی، در این بازار به دنبال کسب بازده بیشتر حتی در شرایط ریسک‌پذیری بازار هستند و استفاده از یک سیاست اقتضائی سرمایه در گردش می‌تواند سطح اعتماد و اطمینان آن‌ها را نسبت به شرکت ارتقاء بخشد (کاوسی‌داودی و همکاران، ۱۳۹۹). لذا نقطه‌ی اشتراک شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی و راهبرد اقتضائی مدیریت سرمایه در گردش، رسیدن به مزیت رقابتی اطلاعات نسبت به سایر رقبا در قالب مقایسه‌پذیری صورتهای مالی می‌باشد (مُرشد^۶، ۲۰۲۰). لذا دستیابی به سطح کارآمد سرمایه در گردش یا مبنای اقتضائی مدیریت آن، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و توجه به عوامل مختلف است، زیرا از یک سو عدم نگهداری سرمایه در گردش در سطح بهینه می‌تواند منجر به کاهش بازده سرمایه‌گذاری شود (دیلف^۷، ۲۰۰۳) و از سویی دیگر مدیریت سرمایه در گردش از عوامل مختلفی از جمله میزان اهرم مالی شرکت؛ میزان مخارج سرمایه‌ای؛ سودآوری و میزان تولید ناخالص تأثیر می‌پذیرد (اسدی و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین تعیین مدیریت سرمایه در گردش شرکت‌های فعال در عرصه فولاد، همواره از دغدغه‌های اصلی مدیران این شرکت‌ها و پژوهشگران دانشگاهی بوده است، اما به دلیل عدم ثبات مداوم اقتصادی و در پس آن عدم پیش‌بینی دقیق تغییرات بازار، استفاده از کارکردهای اقتضائی در این حوزه می‌تواند به

تعدیل‌کنندگی کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین مدیریت سرمایه در گردش و عملکرد مالی» پرداختند؛ اما هیچ پژوهشی براساس شیوهی تحلیل ترکیبی این موضوع را مورد بررسی قرار نداده است و از این منظر می‌تواند این پژوهش را دارای نوآوری نظری و تحلیلی تلقی نمود.

همچنین از نظر کاربردی باید بیان نمود که نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاستگذاران و قانونگذاران صنعت فولاد در بازار سرمایه مبنی بر توسعهی سطح نظارت‌های اثربخش از طریق تدوین الزامات و توسعهی آموزش‌های متناسب با نیازهای اطلاعاتی ذینفعان به مدیران، شیوهی گزارشگری بینامتنی مالی را باهدف ارتقای سطح مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی توسعه بخشد و مدیران این صنعت بتوانند براساس درک شرایط بازار ضمن اتخاذ بهترین راهبرد برای مدیریت سرمایه در گردش، به اثربخشی کارکردهای گزارشگری مالی کمک نمایند و این موضوع بتواند شکاف نمایندگی بین شرکت با سهامداران را کاهش دهد. زیرا یکی از مهمترین کارکردهای منفی صنعت فولاد در سطح بازار سرمایه، قیمت‌گذاری دستوری و نهادی در طی سال‌های گذشته در سطح بازار سرمایه ایران بوده است که انجام چنین پژوهش‌هایی می‌تواند به ایجاد جریان آزاد قیمت‌گذاری در صنعت فولاد کمک نماید (خلیلی و سعادت‌مند، ۱۳۹۹). لذا هدف این پژوهش طراحی مدل شیوه گزارشگری بینامتنی مالی و تأثیر آن بر مدیریت بهینه سرمایه در گردش در صنعت فولاد می‌باشد.

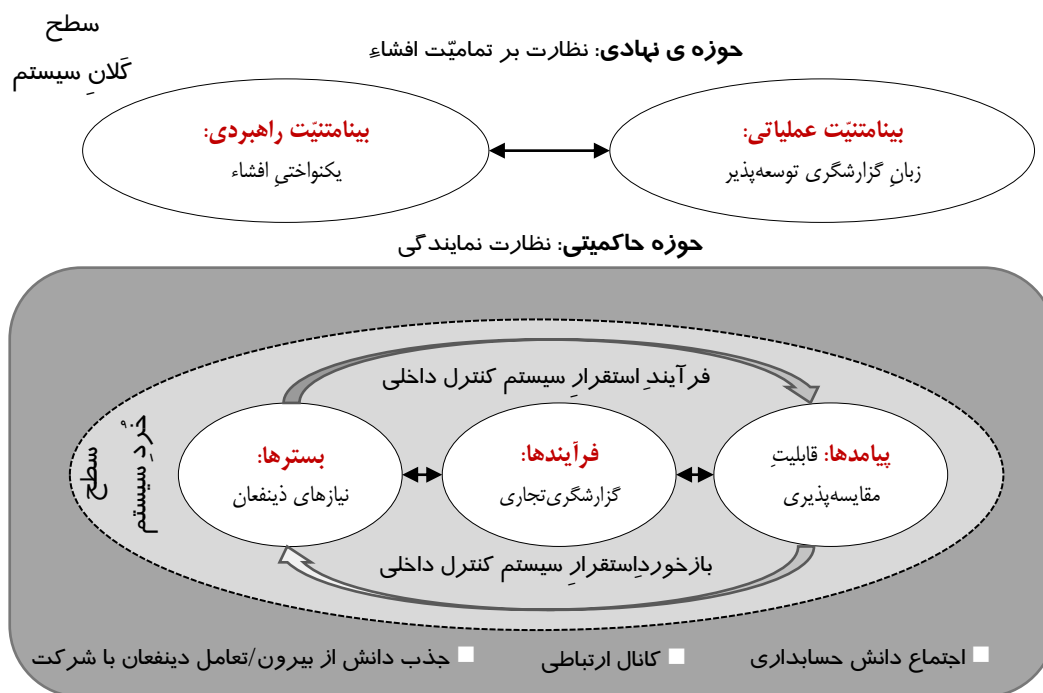
مبانی نظری

شیوه گزارشگری بینامتنی مالی^{۱۲}

بینامتنی به عنوان یک تغییر فرهنگ پُست مدرنیسم به معنای شکل‌گیری مفاهیم برآمده از یک متن توسط سایر متون همراه تعریف می‌شود و در واقع نوعی ادراک برخاسته از بسترهای مفهومی در یک سلسله از مفاهیم به شکل گزارش می‌باشد. بینامتنی یا اصطلاحاً فهم متقابل مستمر از متون، غالباً دو مسیر از نظر ارتقای ادراکی را بر می‌گیرد. یکی از منظر راهبردی و دیگری از منظر عملیاتی که هر دو مفهوم در قالب سطح کلان در یک سیکل تعاملی بین شرکت با ذینفعان در قالب شکل زیر مشخص است.

پویایی افشای اطلاعات شرکت کمک نماید. زیرا صنعت فولاد بعد از نفت و گاز طبیعی دومین صنعت بزرگ دنیا از نظر ارزش اقتصادی و گردش مالی است (شوروف^۸، ۲۰۱۵). حوزه ایی که براساس گزارش‌های سالیانه نشان‌دهنده‌ی خالص سرمایه در گردش بالا در این حوزه می‌باشد. اتحادیه جهانی فولاد در گزارشی با عنوان «یک اقتصاد سالم نیازمند صنعت فولادی سالم و پویا است» بیان نمود، هم اکنون فولاد یک بخش جدانشدنی از بازارهای سرمایه در جهان تلقی می‌شود که می‌تواند با گردش آزاد وجه نقد نسبت به کسب بازده بالاتر و ریسک پایین تر در سرمایه‌گذاری‌ها، به بخش مهمی از تصمیم‌های مالی بدل شود. توجه به آمار ارائه شده می‌تواند در اهمیت روز افزون این صنعت در بازار سرمایه مهم جلوه نماید. در سال ۲۰۱۵ میلادی گردش مالی این صنعت در سطح بازارهای سرمایه جهان برابر با ۹۰۰ میلیارد دلار آمریکا بوده است که نسبت به سال قبل از آن با افزایش ۵ درصدی همراه بود. نرخ رشد گردش مالی این صنعت طی پانزده سال اول قرن بیست و یکم میلادی بالغ بر ۳۰ درصد اعلام شد و اگر از سال ۲۰۰۸ میلادی تاکنون بحرانی در اقتصاد دنیا ایجاد نمی‌شد، نرخ رشد گردش مالی صنعت فولاد سازی بیش از ۴۵ درصد بود که این نرخ گردش مالی از بسیاری از صنایع دیگر مثل سیمان؛ الکترونیک و مس به مراتب سهم بیشتری را به خود اختصاص داده است (پائول و میترا^۹، ۲۰۱۸). با عنایت به توضیح‌های داده شده در این بخش، چرایی انجام این پژوهش را از دو منظر نظری و کاربردی تشریح می‌شود.

لذا از رویکرد پژوهشی باید بیان شود، علارقم اهمیت حوزه پژوهش حاضر، کمتر پژوهشی با تمرکز بر طراحی مدل شیوهی گزارشگری مالی رقابتی، به دنبال بررسی تأثیر راهبردهای مدیریت سرمایه در گردش بر آن بوده است. براین اساس می‌توان این پژوهش را در زمره اولین پژوهش‌های عملی در توسعهی دانش مالی تلقی نمود که به بررسی و ارزیابی موضوع حاضر پرداخته است. اگرچه پژوهش‌های گذشته همچون یوسف و همکاران^{۱۰} (۲۰۲۱)؛ لی و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۸) و اسدی و همکاران (۱۳۹۷) به ترتیب به بررسی موضوعاتی مثل «تأثیر مدیریت سرمایه در گردش بر عملکرد شرکت»؛ «بررسی اثر مدیریت سرمایه در گردش بر گزارشگری مالی» و «نقش



شکل (۱) الگوی یکپارچه‌ی گزارشگری بینامتنیت مالی (مرکل دیویس و برنان، ۲۰۱۷)

تجاری در راستای فرآیندهایی جهت ارضای نیازهای مبتنی بر بسترهای سیستم طی می‌شود تا پیامدی همچون ارتقای قابلیت مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی برای ذینفعان بیرونی ایجاد شود. این چرخه‌ی سیستمی براساس فرآیند استقرار سیستم کنترل داخلی مورد ارزیابی و اصلاح قرار می‌گیرد و به صورت بازخورد مجدداً پیامدهای مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی را به بسترها یعنی ذینفعان جهت شناسایی مجدد نیازهای ذینفعان مخابره می‌نماید (لوپو و ساندو^{۱۶}، ۲۰۱۷). بینامتنیت را می‌توان در حد فاصل مفاهیم گسترده‌ای از خوانش گزارشگری تا لحن افشای اطلاعات دسته‌بندی نمود، اما رسیدن به سطحی از ادراک متعامل در درک متون گزارشگری و قابلیت تطبیق آن در مقایسه با سایر گزارش‌ها فرآیندی است که می‌تواند به تصمیم‌گیری مطلوب‌تر مالی از نظر پرتفولیوی در بازار سرمایه و انتخاب بهترین پروژه برای سرمایه‌گذاری در بازار رقابتی منجر شود (برنان و مرکل دیویس^{۱۷}، ۲۰۱۸). کاندلین و مایلی^{۱۸} (۱۹۹۷) گزارشگری بینامتنیت مالی را به مثابه موزاییکی تشبیه می‌نماید، که از میان آن‌ها استفاده‌کنندگان، در پی رسیدن به فهمی مشخص برای تصمیم‌گیری هستند. از

به عبارت دیگر در چرخه‌ی اثربخشی مفهوم بینامتنیت همانطور که مشاهده می‌شود، سیستم در دو سطح کلان و خرد قابل تشریح می‌باشد. در سطح کلان سیستمی، دو حوزه‌ی نهادی و حاکمیتی بر تمامیت افشاء اطلاعات به صورت کامل و نظارت نمایندگی جهت حفاظت از منافع سهامداران صورت می‌گیرد تا از این طریق امکان شفافیت و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی به عنوان مفهوم مستتر در بینامتنیت گزارشگری مالی محقق گردد (دویت^{۱۴}، ۱۹۹۱). در این سطح دو بُعد بینامتنیت راهبردی و عملیاتی می‌تواند زمینه‌ی ارتقای شفافیت اطلاعاتی را برای مدیران شرکت به صورت رویه‌های افشاء و حوزه‌ی سایبرنتیک حسابداری در قالب زبان گزارشگری توسعه‌پذیر محقق نماید. در واقع تدوین تصمیم‌های فنی افشای اطلاعات و نقش آن در تصمیم‌گیری‌های شرکت جهت فضای کسب و کار رقابتی بهترین حوزه‌ی عملکردی و استراتژیک این بخش محسوب می‌شود (رادفورد^{۱۵}، ۲۰۱۳). در سطح خرد سیستم بینامتنیت، رویکرد سیستمی به صورت چرخه‌ی عملیاتی از بسترها با درک نیازهای اطلاعاتی ذینفعان جهت حفظ مراددهی بلندمدت با شرکت آغاز و با انجام شیوه‌ی گزارشگری

منظر فلسفی اما نیوینس^{۱۹} (۲۰۱۰) شیوهی بینامتنیت را نوعی نشانه شناسی مفاهیم برآمده از بسترها تعریف می‌کنند که واژه‌های استخراج شده از متون، معنایشان را نه با ارجاع به ذهن استفاده‌کنندگان، بلکه از دلالت‌های استدلالی متون کسب می‌نمایند. فایرکلیو^{۲۰} (۱۹۹۲) این شیوهی گزارشگری مالی را مبنایی اثربخش برای توسعهی تعامل‌پذیری و ارتقای سطح وفاداری سهامداران نسبت به رقبای شرکت تلقی می‌نمایند. با مرور تعاریف و مفاهیم معنای بینامتنیت می‌توان دریافت که این انگاره، می‌بایست به عنوان یک شیوه از گزارشگری تجاری در موقعیت‌های رقابتی بسط داده شود، چراکه ادراک ناشی از گزارش‌های افشاء‌شده به شکل حاضر، مفهومی هدفمند را از عملکردهای شرکت به ذهن استفاده‌کنندگان بیرونی از صورت‌های مالی تحمیل می‌کنند که نمی‌تواند الزاماً پاسخگویی نیازهای ادراکی آنان در تصمیم‌گیری باشد. لذا جایگزینی فهم استدلالی با فهم بین‌الذهانی، مشخصه‌ی این شیوه از افشاء اطلاعات برای رسیدن به درک منسجم از فرآیندهای عملیاتی شرکت‌ها می‌باشد.

گردش مالی در صنعت فولاد

امروزه صنعت فولاد یکی از صنایع پایه و استراتژیک جهان به شمار می‌رود تا آنجاکه سرانه مصرف فولاد در کشورها به عنوان معیاری برای توسعه یافتگی به کاربرده می‌شود. بنابراین میزان مصرف و تولید این محصول ارتباط تنگاتنگی با میزان توسعه‌یافتگی کشورها دارد. در کشور ما نیز صنعت فولاد عمری بیش از ۴ دهه دارد اما نتوانسته از جایگاه شایسته‌ای در جهان برخوردار باشد (شفیعی و میرابی، ۱۳۹۹). به عبارت دیگر هرچند همواره بیان می‌گردد که صنعت فولاد در ایران دارای مزیت نسبت به سایر صنایع است اما جایگاه صنعت فولاد ایران در جهان مؤکد این نکته است که سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی نتوانسته‌اند این صنعت را به جایگاه مطلوبی در جهان برسانند. نگاهی اجمالی به رشد و توسعه صنعت فولاد در چند دهه گذشته نشان می‌دهد که بر خلاف برنامه‌های تعیین‌شده برای این صنعت، رشد و توسعه واقعی آن بسیار کمتر از برنامه بوده است. نگاهی به

برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد اهداف محقق شده و واقعی بسیار کمتر از برنامه‌های از پیش تعیین شده می‌باشد (بور و همکاران، ۱۳۹۶). روند تولید در یک دهه گذشته نشان می‌دهد که تولید فولاد خام در کشور از حدود ۷ میلیون تن در سال ۱۳۸۰ به حدود ۴/۱۵ میلیون تن در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است که رشدی حدود ۷ درصد را نشان می‌دهد مسلماً با ادامه این روند در سال‌های آینده، امکان رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده در زمینه تولید و صادرات فولاد میسر نخواهد بود بنابراین در این گفتار عمده چالش‌های فراروی صنعت فولاد مورد بررسی قرار خواهد گرفت. نگاهی به میزان تولید فولاد جهان در یک دهه گذشته نشان می‌دهد که تولید فولاد از سال ۲۰۰۳ تا کنون از ۹۷۲ میلیون تن به بیش از ۱۶۰۶ میلیون تن در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است که نشان می‌دهد تولید در جهان به طور متوسط ۵/۲ درصد رشد داشته که است بخش عمده‌ای از رشد تولید فولاد وابسته به رشد فولاد در کشور چین می‌باشد زیرا تولید این کشور از سال ۲۰۰۳ و از حدود ۲۲۳ میلیون تن به بیش از ۷۷۹ میلیون تن در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است که رشدی بیش از دوبرابر رشد متوسط جهانی را دارا بوده است یعنی اگر تولید چین را از کل تولید فولاد در جهان در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۳ حذف کنیم تولید جهان به ترتیب در این سالها معادل ۷۴۹ و ۸۲۷ میلیون تن خواهد شد یعنی تولید فولاد در جهان بدون چین در بازه ده سال کمتر از ۷۸ میلیون تن افزایش داشته است (ترت و همکاران، ۱۳۹۸).

در حال حاضر چندین چشم انداز متفاوت برای صنعت فولاد ترسیم می‌گردد که سه چشم انداز آن مربوط به ایمیدور، شرکت مهندسی بین‌المللی فولاد تکنیک و افق برنامه ۱۴۰۴ می‌باشد این سه چشم انداز به ترتیب تولید ۸۷، ۶۶ و ۵۵ میلیون تنی فولاد برای کشور را ترسیم کرده‌اند. دو چشم انداز اول بر مبنای طرح‌های در دست انجام واحدهای فولادی بوده و چشم انداز سوم بر اساس برنامه مصوب می‌باشد. چشم اندازهای تعریف شده برای فولاد کشور همانگونه که در بالا بر شمرده شده متفاوت و مختلف می‌باشد. بر اساس برنامه ریزی‌های صورت گرفته و

مجوزهای صادر شده جهت تولید فولاد پیش بینی می‌شود این ظرفیت تا سال ۱۴۰۴ محقق گردد. اما آیا به راستی تولید این میزان فولاد در سال ۱۴۰۴ امکان پذیر می‌باشد. عمده موانع تحقق این ظرفیت را می‌توان عوامل زیر دانست.

لذا با مرور این موانع می‌توان دریافت صنعت فولاد طبق برنامه‌های توسعه با مشکلات عدیده ای در تأمین منابع مالی برای سرعت بخشیدن به گردش سرمایه در این صنعت مواجه است که تمرکز بر کاهش هزینه‌های تولید و افزایش بهره وری مالی در این عرصه می‌تواند به اثربخشی بیشتر این صنعت در سطح شرکت‌های بازار سرمایه کمک نماید.

مدیریت بهینه سرمایه در گردش

یکی از مهمترین مباحث مدیریت مالی شرکت‌ها، نحوه‌ی مدیریت سرمایه در گردش است. مدیریت سرمایه در گردش عبارت است از ترکیب بهینه‌ی ارقام سرمایه در گردش؛ یعنی دارایی‌ها و بدهی‌های جاری، به طوری که باعث افزایش ثروت سهامداران شود (اوجاچ و همکاران^{۲۱}، ۲۰۲۱). مدیریت بهینه سرمایه در گردش بسیار حیاتی است، زیرا تأثیر زیادی بر عملکرد شرکت و افزایش

ظرفیت‌های رقابتی آن در سطح بازار دارد (ماباندلا و مکنی^{۲۲}، ۲۰۱۹). این رویکرد استراتژیک در شرکت‌ها، از کلیه‌ی تصمیم‌هایی تشکیل شده است که تناسب بین دارایی‌ها و بدهی‌های جاری را ایجاد می‌کند و تعیین مقدار بهینه‌ی پول نقد؛ مطالبات؛ موجودی کالا و بدهی‌های جاری و رابطه بین دارایی‌های جاری و بدهی‌های جاری را بر عهده دارد (سیت و همکاران^{۲۳}، ۲۰۲۱). در واقع اجرای یک سیستم سرمایه در گردش اثربخش؛ روشی عالی برای بسیاری از شرکت‌ها در راستای بهبود درآمدها است که می‌تواند به انسجام اثربخش کارکردهای رقابتی منجر شود، چراکه براساس حد بهینه‌ی سرمایه در گردش، شرکت‌ها قادر هستند تا چرخه‌های عملیاتی و نقدی خود را کوتاه و از این طریق سطح بالاتری از سودآوری را تجربه نمایند (ناستیتی و همکاران^{۲۴}، ۲۰۱۹). خدابخشی و سلیمانی امیری (۱۴۰۰) با ارائه‌ی مدل مدیریت سرمایه در گردش، در سطح صنایع بازار سرمایه، به دنبال تعیین سطح بهینه‌ای از انعطاف‌پذیری مالی متناسب با شرایط اقتصادی و سیاسی حاکم بر بازار سرمایه در ایران بودند. در این مدل همانطور که در شکل (۳) مشخص است، شرکت‌های فعال در ۱۰ صنعت بازار سرمایه ایران مورد کنکاش قرار گرفتند.



شکل (۲) موانع صنعت فولاد در پایداری تأمین مالی در بازار سرمایه



شکل (۳) مدیریت سرمایه در گردش

همانطور که در این چارچوب مشاهده می‌شود، فرآیند بهینه‌سازی مدیریت سرمایه در گردش، از واکاوی علل بیرونی و درونی برای رسیدن به موانع اجرای راهبردهای مدیریت سرمایه در گردش آغاز می‌شود و شرکت‌ها قادر هستند تا کاربست راهبردهای اقتضایی در مدیریت مالی، پیامدهای موثرتری از اجرای آن در سطح تصمیم‌های شرکت را ایجاد کنند تا در نهایت به نهادینه‌شدن ارزش‌های توسعه در شرکت‌های فعال در صنایع بازار سرمایه منجر شود.

همانطور که مشاهده می‌شود، تمامی ابعاد مدیریت سرمایه در گردش، براساس مضامین مطرح شده قادر هستند تا سطح ظرفیت‌های رقابتی شرکت‌ها در رسیدن به سطح بهینه در این راهبرد تصمیم‌گیری در شرکت‌ها را توسعه بخشد. با عنایت به توضیح‌های داده و باتوجه به اینکه هیچ مبنای مشخصی، برای تعیین ابعاد مشخص شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی وجود ندارد، لذا این پژوهش تلاش می‌نماید تا در بخش کیفی پژوهش ابتدا

سپس در بخش دوم باهدف تبیین ابعاد اثرگذار شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی بر ادراک سرمایه‌گذاران که پشتوانه‌ی نظری آن مطرح گردید، براساس تحلیل واریانس فرضیه پژوهش به ترتیب زیر ارائه می‌شود:

❖ **سوال اول پژوهش** (مقوله‌های شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی شرکت‌ها در بازار سرمایه کدامند؟)

❖ **سوال دوم پژوهش** (مضامین شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی شرکت‌ها در بازار سرمایه کدامند؟)

❖ **فرضیه پژوهش** (رویکرد بینامتنیت راهبردی بر مدیریت بهینه سرمایه در گردش نسبت به رویکرد بینامتنیت عملیاتی تفاوت معناداری دارد.)



شکل (۴) زیر معیارهای هریک از علل موثر بر فرآیند بهینه مدیریت سرمایه در گردش

روش تحقیق

روش شناسی این پژوهش از نظر نتیجه در دسته پژوهش‌های توسعه‌ای قرار می‌گیرد، چراکه عدم انجام تئوریک در باب مفاهیم و ابعاد شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی و تأثیر آن بر راهبرد بهینه مدیریت سرمایه در گردش شرکت‌های فعال در صنعت فولاد باعث گردیده است تا این پژوهش به دنبال ایجاد یک مدل گزارشگری بینامتنیت مالی باشد. از نظر هدف، این پژوهش با اتکاء به یک مطالعه‌ی اکتشافی و تحلیل واریانس انجام شد. رویکرد پژوهشی مطالعه‌ی حاضر، به لحاظ منطق گردآوری داده‌ها نیز، از نوع استقرائی-قیاسی است؛ زیرا به بررسی پدیده‌ای می‌پردازد که چارچوب جامع درباره آن در حیطه‌های نظری حسابداری و گزارشگری مالی در سطح کارکردهای بازار سرمایه وجود ندارد و یا مورد اجماع نیست. به عبارت دیگر از طریق رویکرد استقرائی تلاش می‌شود، الگوی مناسبی طراحی گردد. بدین منظور با اتکاء به روش نظریه داده بنیاد و رویکرد نوحاسته یا ظاهرشوندگی گلنزر^{۲۵} (۱۹۹۲) تلاش شد از طریق مصاحبه با متخصصان امر، ابعاد حسابداری گفتمان مشخص و دسته‌بندی شود. این رویکرد به محقق اجازه می‌دهد تا از طریق مصاحبه با

متخصصان، ابتدا براساس مرحله‌ی اول کدگذاری، یعنی کدگذاری باز، سوالات را از مصاحبه‌شوندگان که عموماً در مراحل اول به صورت باز است، بپرسد و سپس براساس کدگذاری محوری، مفاهیم زیاد ایجاد شده را مختصر و در مسیر پژوهش هدایت کند و در نهایت براساس کدگذاری انتخابی، مدل پژوهش را به منظور نظریه‌پردازی ارائه دهد. پس از ارائه مدل و سنجش پایایی ابعاد آن از طریق تحلیل دلفی، در تحلیل کمی براساس رویکرد قیاسی، تلاش می‌شود ابعاد مدل شناسایی شده در جامعه هدف (جامعه هدف بخش کمی مدیران شرکت‌های فعال در صنعت فولاد) از طریق تحلیل واریانس نقش ابعاد مدل گزارشگری بینامتنیت مالی بر مدیریت بهینه سرمایه در گردش تبیین گردد تا ضمن ایجاد درک منسجم‌تر از ماهیت چارچوب نظری تدوین‌شده، تفاوت رویکردهای شناسایی شده در مدل کیفی پژوهش بر مدیریت بهینه سرمایه در گردش مشخص گردد. بازه انجام این پژوهش در بخش کیفی یکسال و در بخش کمی ۶ ماه حدوداً به طول انجامید.

جامعه و نمونه آماری

در این پژوهش در بخش کیفی، براساس اعتقاد اشتراوس و

کوربین^{۲۶} (۱۹۹۰)، برای پابندی به اصول نظریه برخاسته از داده‌ها از نمونه‌گیری نظری با رویکرد هدفمند «برای حداکثرکردن فرصت‌های مقایسه رویدادها، وقایع، یا اتفاقات» استفاده شد تا از این طریق به تعیین نحوه تغییر یک مقوله براساس ویژگی‌ها و ابعاد آن دست یافته شود. بر این مبنا ابتدا محققان، براساس فهرست‌نمودن معیارهایی، سعی در انتخاب افراد آگاه نمودند تا از انحراف و تلف شدن زمان در جریان مصاحبه‌ها جلوگیری شود. این معیارهای عبارتند از:

۱. داشتن دانش نظری در استانداردهای گزارشگری مالی و شناخت ابعاد صورت‌های مالی به لحاظ منطقی استدلالی افشاء ارقام مالی
۲. احاطه به پژوهش‌های کیفی و آشنایی با روند مصاحبه‌گری آن

براساس دو معیار فوق ابتدا لیستی از محققان حیطه‌های تخصصی در حرفه‌ی حسابداری که در دسترس بودند، مشخص گردید که این کار از طریق جستجو در سایت‌های معتبر علمی و پژوهشی در داخل و خارج از کشور انجام شد. سپس از طریق ایمیل و توضیحات مرتبط با اهداف پژوهش، ایمیل‌هایی برای حداقل ۳۸ نفر ارسال گردید و از آن‌ها خواسته شد، تا در صورت تمایل، مقدمات انجام مصاحبه محیا گردد. از مجموع ایمیل‌های ارسال شده، ۲۴ ایمیل پاسخ داده شد، که از این میان ۱۲ نفر نهایتاً به عنوان مصاحبه‌شونده انتخاب شدند. در بخش کمی پس از طراحی مدل از طریق انتخاب جامعه‌هدف در بین مدیران بخش حسابداری شرکت‌های بازار سرمایه براساس تجربه‌های کاری و سطح دانش فنی و تخصصی و با پیروی از پژوهش گوتیئر و همکاران^{۲۷} (۲۰۲۰) که برای تعیین حجم نمونه در تحلیل‌های واریانس، می‌بایست هر گروه از اعضای جامعه هدف، توان آزمونی برابری از نظر تعداد و آشنایی با موضوع مورد بررسی داشته باشند، برای مشارکت در بخش کمی انتخاب شدند. براساس این روش در صورتی که سطح خطا ۵ درصد، توان آزمون ۹۰ درصد، تعداد ۲ گروه و اثر اندازه در حدود یک تعیین گردیدند. لذا با توجه به جامعه هدف ۱۰۰ نفر، براساس ماهیت استعاره‌ی سناریوسازی شده، دو گروه ۵۰ نفر از مدیران

شرکت‌های فعال در صنعت فولاد براساس تفکیک متغیرهای جمعیت شناختی در خصوص تفاوت شیوه گزارشگری بینامتنی مالی بر مدیریت بهینه‌ی سرمایه در گردش مشارکت داشتند. لذا پرسشنامه‌ها در دو نمونه ۵۰ تایی تایید و به صورت آزمون‌های تحلیل واریانس به دو صورت گروه آزمایش و کنترل بین مشارکت‌کنندگان بخش کمی توزیع شد و تمامی پرسشنامه‌ها با توجه به هماهنگی‌های صورت گرفته در بازه زمانی ۶ ماه تکمیل و برگشت داده شد. مهمترین نکته در تعیین حجم نمونه در بخش کمی این بود که، نمونه آماری می‌بایست از دو ویژگی عمده روایی و تناسب حجمی برخوردار باشد.

❖ **روایی نمونه آماری:** روایی نمونه آماری از آن است که بتوان نمونه مورد مطالعه را از نظر همگونی با جامعه مورد مطالعه و دارا بودن ویژگی‌ها و صفات آن، بخشی از جامعه آماری تلقی نمود.

❖ **تناسب حجمی نمونه آماری:** تناسب حجمی نمونه مورد مطالعه در آن است که بخش مورد مطالعه حجم کافی و مناسب داشته باشد، به طوری که از نظر کمی نیز بتوان آن را نمایشگری از جامعه آماری تلقی کرد و نتایج مطالعه را به جامعه تعمیم داد. لذا با استناد به این دو موضوع تلاش گردید که دو گروه ایجاد شده از نظر تناسب باهم برابر باشند.

گردآوری و تجزیه و تحلیل

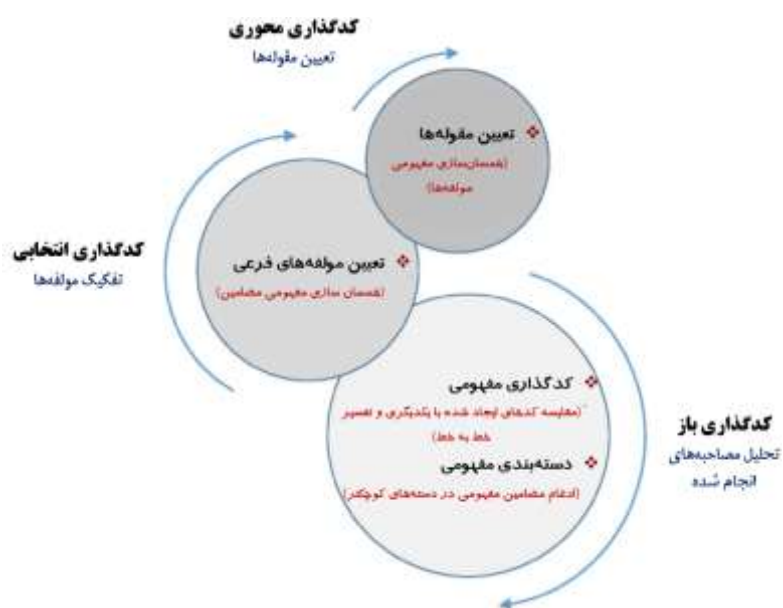
براساس ماهیت روش شناسی پژوهش که از نوع ترکیبی بود، جهت گردآوری داده‌ها در بخش تحلیل کیفی ابتدا از مصاحبه‌های عمیق و بدون ساختار (طرح مصاحبه به صورت باز) با زمان متوسط یک ساعت استفاده گردید. ذکر این نکته حائز اهمیت است که دلیل استفاده از مصاحبه‌های عمیق و بدون ساختار این بود که مفهوم گزارشگری بینامتنی از انسجام مفهومی متناسبی به دلیل فقدان چارچوب نظری، برخوردار نبود و براساس طی فرآیندهای مصاحبه تلاش گردید تا نسبت به ایجاد انسجام در محتوا و ماهیت مفهوم مورد بررسی در گزارشگری مالی اقدام شود. پس از ظاهر شدن مضامین اولیه، برای تفکیک مولفه‌ها در قالب ایجاد مقوله‌های کلی، مصاحبه‌ها به

بود که از مصاحبه اول تا مصاحبه هفتم، تقریباً ابعاد چارچوب نظری رفته بود، چراکه بعد از هر مصاحبه محققان شروع به تحلیل مصاحبه‌ها بر مبنای کدگذاری باز و محوری می‌نمودند. از مصاحبه هفتم تا مصاحبه دوازدهم برای مطمئن شدن از رسیدن به نقطه اشباع مصاحبه‌ها ادامه یافت و اغلب کدها در مصاحبه‌ها تکرار می‌شدند و بر این مبنای در مصاحبه دوازدهم، پایان فرآیندهای جمع‌آوری اطلاعات اعلام گردید. سپس در بخش کمی، با توجه به ارائه چارچوب نظری پژوهش، ابعاد مدل شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی ابتدا از طریق تحلیل دلفی تلاش گردید تا نسبت به ارزیابی سطح پایایی مولفه‌های پژوهش، اقدام‌های لازم بر اساس سه معیار میانگین؛ ضریب توافق و انحراف معیار صورت گیرد، که نتایج در این بخش از تایید مقوله‌های پژوهش به عنوان مبنای تحلیل در بخش کمی حکایت داشت. فرآیند طی شده در گردآوری داده‌های بخش کیفی به صورت زیر قابل مشاهده می‌باشد:

سپس با هدف آزمون سطح تفاوت مقوله‌های شیوه‌ی گزارشگری مالی بینامتنیت، نسبت به مدیریت بهینه‌ی سرمایه در گردش از تحلیل واریانس بر اساس تدوین سناریوهای تحلیلی با مشارکت دو گروه ۵۰ نفری از بخش کمی استفاده شد.

صورت نیمه ساختاریافته و ساختاریافته ادامه یافت تا در انتها به شکل‌گیری نقطه‌ی اشباع نظری کمک نماید. سوالات مصاحبه بر اساس ماهیت موضوع و ایجاد درک متعاملی از مفهوم بین مصاحبه کنندگان با مصاحبه شوندگان به صورت رفت و برگشتی در جریان مصاحبه تدوین شده بود. برخی از این سوالات مصاحبه عبارت بودند از:

۱. تاچه اندازه یکنواختی در شیوه‌های گزارشگری مالی می‌تواند به ارتقای سطح تعامل شرکت با ذینفعان منجر شود؟
 ۲. تاچه توسعه‌ی زبان گزارشگری می‌تواند به ارتقای رضایت ذینفعان منجر شود؟
 ۳. آیا تمرکز بر تعدد ارائه‌ی گزارش‌های مالی می‌تواند به مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی منجر شود؟
- یکی از مهمترین بخش‌های تحلیل داده بنیاد، اتمام مصاحبه‌ها می‌باشد، که رسیدن به نقطه اشباع به عنوان یک فرآیند و استراتژی در این تحلیل بسیار حائز اهمیت بود. محققان پس از هر مصاحبه، شروع به کدگذاری باز و تا حدی کدگذاری انتخابی می‌نمودند تا مفاهیم و اشتراکات‌شان مشخص گردد و بر این اساس در هر مرحله کدهای ایجادشده از مرحله‌ی کدگذاری انتخابی باهم مورد مقایسه قرار می‌گرفتند. روند انجام مصاحبه‌ها بر این مبنای



شکل (۵) مراحل تحلیل در گروند تئوری (منبع: واستیل^{۲۸}، ۲۰۰۱)

اعتبار تحقیق

مفهوم اعتبار در پژوهش‌هایی با ماهیت تحلیل نظریه داده بنیاد از منظرهای مختلفی معمولاً می‌تواند صورت پذیرد. اما سطح این مفاهیم جهت سنجش اعتبار پژوهش معمولاً واحد نیست، بلکه مفهومی پیچیده؛ فراگیر و همه جانبه می‌باشد، چراکه براساس مشارکت مصاحبه‌شوندگان در بخش کیفی از منظر رویکردهای تخصصی صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر، از آنجاییکه در مصاحبه با رویکرد کیفی، ذهنیت نقش برجسته‌ای دارد، بنابراین، درباره اینکه آیا مصاحبه‌ها قابل تکرار و نتایج قابل‌تعمیم هستند، جای شک و تردید وجود دارد و پژوهشگران باید از فنونی که در تحقیق‌های کیفی برای نشان دادن قابلیت اعتماد و صحت یافته‌ها به کار گرفته می‌شود، استفاده کنند. در این پژوهش از روش سه سوسازی برای سنجش اعتبار تحقیق استفاده شده است. برای محقق شدن سه سوسازی در پژوهش حاضر رویکردهای مختلف مصاحبه‌شوندگان در ۴ بُعد زیر مورد بررسی قرار گرفت و علاوه بر تقویت نتایج، داده‌های معتبرتری فراهم شده است.

۱. **بازگشت اعتباری:** جهت انجام سطح همراستایی اعتبار مضامین با مولفه‌ها و مقوله‌های شیوه گزارشگری بینامتنی مالی با ۶ نفر از مشارکت‌کنندگان پژوهش در بخش کیفی پس از تدوین ابعاد مدل مجدداً ارتباط برقرار شد تا دیدگاه‌هایشان را در خصوص کدهای ایجاد شده ارائه دهند زیرا تأیید صحت یافته‌های بخش کیفی مهمترین هدف غنصر بازگشت اعتباری محسوب می‌شود.

۲. **مرور همتا:** در این بُعد، هدف برابری متون مشابه با پدیده مورد بررسی در قالب یک ارزیابی انتقادی است. لذا با تطبیق محتوای نظری متون علمی مشابه با تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه، تلاش شد تا موارد افتراق مورد بررسی بیشتر قرار بگیرد که تفاوت چندان‌ی مشاهده نشد.

۳. **توضیح شیوه یادداشت‌برداری و انجام پژوهش:** در این مرحله پروتکل و فرآیند انجام مصاحبه‌ها در

اختیار ۶ نفر از مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت تا تأیید نمایند، آیا نحوه‌ی تحلیل درست طی شده است یا خیر، که مرور یادداشت‌ها نشان داد، روند پژوهش و تحلیل کدها در مسیر درستی پیشرفته است.

۴. **تهیه گزارش مفصل نتایج:** در تحلیل گلیزر، باتوجه به این اصل که «معناها برخاسته از موقعیت هستند»، هریک از نتایج باید همراه با موقعیت، به‌طور کامل در نظر گرفته شود و خواننده پژوهش توجهی خاص به موقعیت داشته باشد. بنابراین، لازم است جزئیات موقعیت پژوهش در گزارش توضیح داده شود. بر این مبنا مصاحبه‌ها، یادداشت‌برداری و گزارش‌دهی مرتب نتایج، منجر به فراهم‌نمودن داده‌های معتبر گردید که این موضوع مورد تأیید قرار گرفت.

اما در بخش کمی به منظور سنجش اعتبار از تحلیل دلفی باتوجه به دو معیار میانگین؛ ضریب توافق و انحراف معیار استفاده شده است. در واقع برای رسیدن به کفایت نظری در جامعه هدف در باب ابعاد و مولفه‌های شناسایی شده، تحلیل دلفی انجام می‌شود تا سطح بکارگیری مفاهیم در جامعه هدف مورد بررسی قرار گیرد. نتایج در این بخش در قالب جدول (۳) در بخش دوم تحلیل یافته‌های پژوهش ارائه شده است.

یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا یافته‌های تحلیل نظری داده بنیاد در بخش کیفی جهت طراحی مدل ارائه می‌شود و سپس تحلیل واریانس نیز جهت پیشبرد اهداف بخش کمی ارائه می‌گردد.

یافته‌های تحلیل نظری داده بنیاد

از آنجاییکه مفهوم شیوه گزارشگری بینامتنی مالی از نظر محتوای مورد بررسی در پژوهش‌های گذشته مورد توجه نبوده است، لذا در این بخش تلاش شد تا براساس انجام مصاحبه با صاحب‌نظران حسابداری و مدیریت مالی، طی سه مرحله کدگذاری این تحلیل، ابعاد مدل شیوه گزارشگری بینامتنی مالی مشخص شود. جدول (۱) فرآیند سه مرحله‌ای کدگذاری را نشان می‌دهد:

جدول (۱) ابعاد مدل حسابداری گفتمان براساس مضامین؛ مولفه‌ها و مقوله‌ها

پدیده	کدگذاری باز		تکرار	
	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری		
رویکردهای شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی	سطح الف: بینامتنیت راهبردی در گزارشگری مالی	راهبرد بینامتنیت رویهای	مضامین مفهومی	۱۸
			یکنواختی در درک استدلالی از اطلاعات افشاء شده فولاد	۳۱
			ارائه گزارش تفسیری جهت یکپارچگی انعکاس سیاست‌های مورد اتخاذ	۴۸
			حفظ وحدت رویه در تفسیر اطلاعات و انعکاس به ذینفعان صنعت فولاد	۶۶
			بکارگیری تکنیک تحلیل وقایع در افشای اطلاعات صنعت فولاد	۱۸
		ارائه گزارش ارزیابی دوره‌ای همسان‌سازی عملکرد شرکت با تغییرات اطلاعاتی بازار صنعت فولاد	۱۲	
		تفکیک اقلام صورت‌های مالی و پرهیز از ایجاد تحریف و ابهام	۱۱	
		ارائه صورت مقایسه‌های دوره‌ای به طور متداوم	۹	
		ارائه صورت گردش جریان وجه نقد صنعت فولاد	۶	
		همسان‌سازی شیوه‌های محاسبه‌ی استهلاک در افشای هزینه‌های تولید	۱۵	
	ارائه شفاف پاداش مدیران به صورت تفکیک‌شده و طبقه‌بندی ساختاری در شرکت‌های فولادی	۲۸		
	سطح ب: بینامتنیت عملیاتی در گزارشگری مالی	کارکرد بینامتنیت درون شرکتی	برآوردهای منطقی از پروژه‌های آتی شرکت‌های فعال در صنعت فولاد	۵
			ارزیابی طرح‌های سرمایه‌گذاری از نظر ارزش فعلی خالص مثبت (NPV^+) شرکت‌های فعال در صنعت فولاد	۳۸
			سیستم کنترل داخلی اثربخش باهدف کاهش اشتباهات ناشی از تهیه و انتقال اطلاعات شرکت‌های فعال در صنعت فولاد	۴۲
			سرعت عمل در تصمیم‌گیری مالی مدیران به دلیل فناوری حسابداری مدیریت اطلاعات شرکت‌های فعال در صنعت فولاد	۴۸
ارتقای قابلیت‌های تحلیلی براساس سیستم حسابداری مدیریت اطلاعات کاهش هزینه‌های مالی شرکت به دلیل ایجاد انطباق مالی			۵۳	
کارکرد بینامتنیت بیرون شرکتی		دسترسی سریع‌تر ذینفعان بیرونی به اطلاعات مالی از طریق سامانه‌های ارتباطی	۲۱	
		بهبود تصمیم‌گیری مالی ذینفعان به دلیل افشای جزئیات ریسک در گزارش‌های همراه شرکت‌های فعال در صنعت فولاد	۹	
		افزایش قابلیت فهم اطلاعات مجموع گزارش‌های صورت‌های مالی	۱۲	
		قابلیت مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی فولاد در مقایسه با رقبا	۱۷	
		مربوط‌بودن ماهیت اطلاعات افشاء‌شده با نیازهای اطلاعاتی ذینفعان کاهش هزینه‌های نمایندگی به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی	۷	
۹				

بینامتنیت راهبردی در گزارشگری مالی و بینامتنیت عملیاتی در گزارشگری مالی که در قالب جدول (۲)، تعریف هرکدام از طبقه‌بندی‌های فرعی ارائه شده است. متغیرها در مولفه‌های تشکیل‌دهنده شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی با یکدیگر ارتباط درونی دارند. همانطور که مشاهده می‌شود، از مجموع ۲۲ مضمون مرتبط با دو مقوله‌ی پژوهش، ۵ مضمون که میانگین زیر ۵ (باتوجه به مقیاس لیکرت ۷ گزینه‌ای) و ضریب توافق زیر ۰/۵ داشته‌اند، حذف شدند و مابقی مضامین گزاره‌ای طی دو مرحله تحلیل دلفی تأیید شدند.

باتوجه به مشخص شدن فرایندهای کدگذاری طبق رویکرد گلیرز در تحلیل داده بنیاد، در ادامه نسبت به مفاهیم و طبقه‌بندی فرعی ایجاد شده طبق مصاحبه‌های صورت‌گرفته، هریک از مولفه‌های اصلی در قالب کدهای مفهومی مورد بحث و استدلال قرار می‌گیرند و سپس در سایه تحقیقات انجام‌شده نسبت به پیدایش و توسعه مولفه‌های تشکیل‌دهنده هر کدام از طبقه‌بندی‌های مفهومی توضیح‌های لازم داده می‌شود. همانطور که از جدول (۱) مشاهده شد: دو مقوله‌ی شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی وجود دارد که عبارتند از:

جدول (۲) تعاریف طبقه‌بندی‌های فرعی

مقوله‌ها	شرح تئوریک رویکردهای بینامتنیت گزارشگری مالی
بینامتنیت راهبردی در گزارشگری مالی	بینامتنیت راهبردی در گزارشگری مالی به عنوان سطح اول شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی به مفهوم یکنواختی در استدلال ادراکی از منظر فهم اطلاعاتی اشاره دارد که می‌تواند زمینه برای توسعه پایدار تصمیم‌های تأمین منابع مالی در خصوص جذب منابع نقدی حاصل از سرمایه‌گذاری سهامداران در پی داشته باشد. این سطح از شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی را می‌بایست مجموع راهبردهایی در کسب مزیت رقابتی نسبت به سایر رقبا تلقی نمود که به ایجاد وحدت رویه در تفسیر صورت‌های مالی منجر خواهد شد. به عبارت دیگر، بینامتنیت راهبردی چارچوب‌های استدلالی مستمر در تمامی لایه‌های ساختاری شرکت ایجاد می‌کند که گزارشگری مالی را به ابزاری برای شناسایی موارد غیرمشابه و یکپارچگی در قضاوت برآوردهای حسابداری بدل می‌نماید. این ابزار با اتکاء به بسترهای اطلاعاتی و درک نیازهای واقعی از بازار، در تلاش برای ارائه اطلاعاتی منسجم و قابل‌مقایسه به ذینفعان بیرونی هستند که از طریق تحلیل وقایع می‌تواند حادث شود. لذا شرکت‌ها با اتکاء به رخدادهای بیرونی و تجارب سالیان گذشته سعی در ارزیابی دقیق‌تر داده‌های بیرونی از نظر استفاده از فرصت‌نیازهای اطلاعات دارند تا براساس آن توانند با تقویت مکانیزم‌های نظارتی خود، پاسخ قابل توجه‌تری به تغییرات محیطی بدهند و براین اساس به مزیت رقابتی دست یابند.
بینامتنیت عملیاتی در گزارشگری مالی	بینامتنیت عملیاتی در گزارشگری مالی سطحی از مکانیزم‌های مشخص شرکت در فرآیندهای عملکردی در برابر ذینفعان می‌باشد. در این سطح الزاماً تدوین سیاست‌های افشای اطلاعات به تنهایی نمی‌تواند به ادراک اطلاعات از جانب ذینفعان کمک نماید بلکه کاهش تعارض با استانداردهای مدون با عملکردهای مالی شرکت مهمترین فرآیندی است که هر شرکتی می‌بایست برای کسب مزیت رقابتی در افشای اطلاعات پیگیری نماید. لذا بازنگری مفاهیم اساسی در استانداردها و بهره‌گیری از سطحی از تحلیل انتقادی می‌تواند به بینامتنیت عملیاتی در گزارشگری مالی کمک نماید. زبان گزارشگری توسعه‌پذیر (XBRL) بخش مهمی از بینامتنیت عملیاتی در گزارشگری مالی تلقی می‌شود، چراکه همسو با ماهیت محتوایی افشای اطلاعات، ضمن امکان در دسترس بودن آن برای ذینفعان به شیوهی آسان‌تر، به آنان اجازه می‌دهد که از طریق عنوان‌بندی، به نحوه ارائه اطلاعات ساختار دهند. لذا در این سطح با بهره‌گیری از جهت‌گیری‌های سیستم اطلاعات مدیریت (MIS)، زبان گزارشگری توسعه‌پذیر، امکان تبادل اطلاعات به صورت سیستمی که حاصل ارزیابی نیازهای اطلاعاتی ذینفعان از بسترهای بازار می‌باشد را مهیا می‌کند و موجب صرفه‌جویی در هزینه می‌شود و بازدهی بیشتر و بهبود کیفیت اطلاعات را در کنار قابلیت اطمینان اطلاعات برای استفاده کنندگان را به همراه خواهد داشت.

جدول (۳) تحلیل دلفی برای تعیین اجماع نظر خبرگان

	نتیجه	دور اول دلفی		دور دوم دلفی	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
مضامین شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی	یکنواختی در درک استدلالی از اطلاعات افشاء شده	۵/۲	۰/۸	۵/۳	۰/۸
	ارائه گزارش تفسیری جهت یکپارچگی انعکاس سیاست‌های مورد اتخاذ	۵/۵	۰/۹	۶	۰/۹۵
	حفظ وحدت رویه در تفسیر اطلاعات و انعکاس به ذینفعان	۵/۱	۰/۷	۵/۲	۰/۸
	ارائه گزارش ارزیابی دوره‌های همسان‌سازی عملکرد شرکت با تغییرات اطلاعاتی بازار	۵/۵	۰/۹	۶	۰/۹۵
	یکپارچگی تکنیک تحلیل وقایع در افشای اطلاعات	۳	۰/۲۰	حذف	
	ارائه شفاف پاداش مدیران به صورت تفکیک شده و طبقه‌بندی ساختاری در شرکت	۴	۰/۳۵	حذف	
	تفکیک اقلام صورت‌های مالی و پرهیز از ایجاد تحریف و ابهام	۶	۰/۸۰	۵/۴	۰/۸۵
	ارائه صورت مقایسه‌های دوره‌ای به طور متداوم	۵/۲	۰/۸	۶	۰/۹۵
	ارائه صورت گردش جریان وجه نقد	۵/۴	۰/۸۵	۵/۳	۰/۸
	همسان‌سازی شیوه‌های محاسبه‌ی استهلاک در افشای هزینه‌های تولید	۵/۳	۰/۸	۵/۲	۰/۸
	برآوردهای منطقی از پروژه‌های آتی	۲	۰/۲	حذف	
	ارزیابی طرح‌های سرمایه‌گذاری از نظر ارزش فعلی خالص مثبت (NPV ⁺)	۵/۵	۰/۹	۵/۵	۰/۹
	سیستم کنترل داخلی اثربخش باهدف کاهش اشتباهات ناشی از تهیه و انتقال اطلاعات	۵/۴	۰/۸۵	۵/۵	۰/۹
	سرعت عمل در تصمیم‌گیری مالی مدیران به دلیل فناوری حسابداری مدیریت اطلاعات	۵/۲	۰/۸	۵/۴	۰/۸۵
ارتقای قابلیت‌های تحلیلی براساس سیستم حسابداری مدیریت اطلاعات	۶	۰/۹۵	۶/۱	۰/۹۵	
کاهش هزینه‌های مالی شرکت به دلیل ایجاد انطباق مالی	۳	۰/۳۵	حذف		
افزایش قابلیت فهم اطلاعات مجموع گزارش‌های صورت‌های مالی	۳	۰/۲۰	حذف		
کاهش هزینه‌های نمایندگی به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی	۴	۰/۳۵	حذف		
دسترسی سریع‌تر ذینفعان بیرونی به اطلاعات مالی از طریق سامانه‌های ارتباطی	۵/۵	۰/۹۰	۵/۴	۰/۸۵	
بهبود تصمیم‌گیری مالی ذینفعان به دلیل افشای جزئیات ریسک در گزارش‌های همراه شرکت	۵/۲	۰/۸	۵/۳	۰/۸	
قابلیت مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی شرکت در مقایسه با رقبا	۶	۰/۸۰	۵/۴	۰/۸۵	
مربوط بودن ماهیت اطلاعات افشاء شده با نیازهای اطلاعاتی ذینفعان	۵/۵	۰/۹	۶	۰/۹۵	

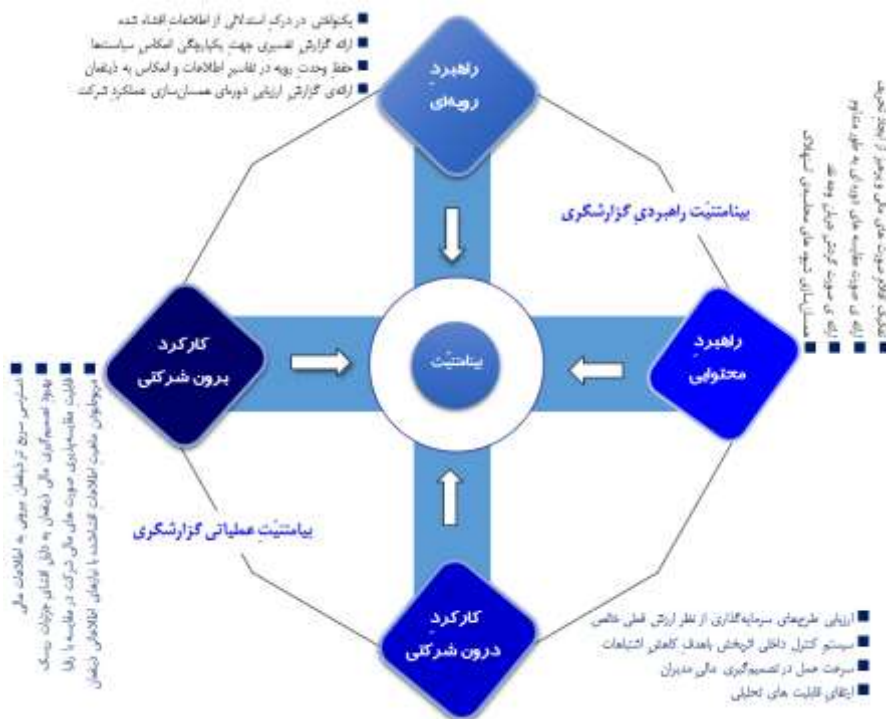
چارچوب تئوریک

با شناسایی مقوله‌ها و مولفه‌های پژوهش که براساس کدهای ایجاد شده‌ی ناشی از تحلیل مصاحبه‌ها تشریح شد، در این بخش باتوجه به ماهیت تحلیل گلیزر ۲۹ (۱۹۹۲) در نظریه داده بنیاد اقدام به ارائه چارچوب تئوریک پژوهش می‌باشد. همانطور که در روش‌شناسی به آن اشاره شد، رویکرد تحلیلی گلیزر (۱۹۹۲) در تفاوت با رویکرد تحلیلی اشتراوس و کوربین (۱۹۹۰) در چارچوب ساختاریافته‌ای است که به واسطه مقوله‌ها و مولفه‌های پژوهش ارائه می‌شود. لذا با اتکاء به این مفهوم چارچوب تئوریک پژوهش ارائه می‌شود:

تحلیل یافته‌های بخش کمی

همانطور که پیش‌تر توضیح داده شد، باتوجه به اینکه در

این پژوهش از تحلیل سناریو جهت آزمون فرضیه پژوهش استفاده می‌شود، پس از جمع‌آوری داده‌ها و بررسی پیش فرض‌های آزمون‌ها، تحلیل واریانس چندمتغیر با نرم افزار SPSS براساس تحلیل واریانس انجام می‌شود. برای این منظور متغیر شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی (بینامتنیت راهبردی و بینامتنیت عملیاتی در گزارشگری مالی) به عنوان متغیر مستقل و متغیر مدیریت بهینه سرمایه در گردش به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شوند. فرض رویکرد تحلیل واریانس چندمتغیره این است که بُردار متغیر وابسته از یک توزیع نرمال چندمتغیره پیروی کرده و ماتریس واریانس در بین سلول‌هایی که براساس اثرات بین آزمودنی‌ها تشکیل شده‌اند، متوازن و متعادل هستند. این پیش‌فرض با استفاده از آزمون ام. باکس در این پژوهش بررسی شده است.



شکل (۶) چارچوب نظری شیوه گزارشگری مالی بینامتنیت

جدول (۴) آزمون ام. باکس مربوط به بررسی پیش فرض یکسانی ماتریس‌ها

سطح معناداری	درجه آزادی		آماره آزمون F	آماره آزمون ام. باکس
	دوم	اول		
۰/۲۰۹	۱۵۸/۲۱۳	۶۰	۱/۵	۶۹/۱۱۹

باتوجه به جدول (۴) چون سطح معناداری آزمون ام. باکس (۰/۲۰۹) بیشتر از مقدار خطای آزمون (۰/۰۵) است، در نتیجه شرط مربوط به همگنی ماتریس‌ها مطلوب است. سپس براساس ماتریس واریانس مشاهده شد که متغیر وابسته در بین گروه‌های مشارکت‌کننده در بخش کمی پژوهش، برابر هستند. در ادامه معنی‌داری اثر متغیرهای مستقل و تأثیر بین هر یک از آن‌ها با استفاده از آزمون‌های چندمتغیره مورد بررسی قرار می‌گیرد. این آزمون‌ها سطحی از آزمون‌های اثر پیلای؛ لاندای ویلکز؛ اثر هتلینگ و بزرگ‌ترین ریشه واحد را در بر می‌گیرند. اما به دلیل اینکه آزمون لاندای ویلکز و اثر پیلای دارای پایایی بیشتری در پژوهش‌های حوزه‌ی علوم انسانی می‌باشد، مبنای تأییدی قابل‌اتکاءتری در کنار سایر آزمون‌های یاد

شده هستند.

براساس نتیجه‌ی جدول (۵) مشخص شد، سطوح معنی‌داری همه‌ی آزمون‌ها نشان‌دهنده‌ی اثرات متغیرها جهت در معنی‌دار مدل می‌باشد و بنابراین می‌توان بیان نمود رویکردهای شیوه‌ی گزارشگری بینامتنیت مالی در شرکت‌های فعال در صنعت فولاد به عنوان متغیر مستقل بر متغیر وابسته اثر معنی‌داری دارد. لذا برای انجام آزمون فرضیه پژوهش، می‌بایست نتایج مربوط به معنی‌داری یا عدم معنی‌داری کل مدل و همچنین تأثیر جداگانه متغیرهای مستقل رویکردهای شیوه‌ی گزارشگری بینامتنیت مالی و متغیرهای زمینه‌ای بر متغیر وابسته مدیریت بهینه‌ی سرمایه در گردش را نشان می‌دهد.

جدول (۵) نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری (مانووا)

اثر	نام آزمون	مقدار	آماره آزمون F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معنی‌داری	مجذور اتا
ضریب ثابت	آزمون اثر پیلای	۰/684	۳۰۲۸۷۴/۸۱۱	4	117	۰/000	0/482
	آزمون لاندای ویلکز	۰/024	۳۰۲۸۷۴/۸۱۱	4	117	۰/000	0/482
	آزمون اثر هتلینگ	213/207	۳۰۲۸۷۴/۸۱۱	4	117	۰/000	0/482
	آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی	213/207	۳۰۲۸۷۴/۸۱۱	4	117	۰/000	0/482
رویکردهای شیوه‌ی گزارشگری بینامتنیت مالی	آزمون اثر پیلای	۰/165	17/282	4	117	۰/000	۰/117
	آزمون لاندای ویلکز	۰/555	17/282	4	117	۰/000	۰/117
	آزمون اثر هتلینگ	0/145	17/282	4	117	۰/000	۰/117
	آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/145	17/282	4	117	۰/000	۰/117
مبنای کنترل (متغیرهای زمینه‌ای)	آزمون اثر پیلای	۰/632	81/639	4	117	۰/000	۰/353
	آزمون لاندای ویلکز	۰/411	81/639	4	117	۰/000	۰/353
	آزمون اثر هتلینگ	1/454	81/639	4	117	۰/000	۰/353
	آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی	1/454	81/639	4	117	۰/000	۰/353
تعامل مبنای کنترل و شیوه‌ی گزارشگری بینامتنیت مالی	آزمون اثر پیلای	۰/454	19/100	6	205	۰/000	۰/243
	آزمون لاندای ویلکز	۰/516	20/342	6	314	۰/000	۰/243
	آزمون اثر هتلینگ	۰/665	24/198	6	251	۰/000	۰/243
	آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/665	50/201	4	128	۰/000	۰/243

جدول (۶) اثرات آزمودنی‌های پژوهش برای مدیریت بهینه‌ی سرمایه در گردش فولاد

مبنای تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره آزمون F	سطح معنی‌داری	مجذور اتا
ضریب ثابت	6804/688	2	۱۲۰۹/۴۶۳	555/11	۰/001	۰/522
شیوه‌ی گزارشگری بینامتنیت مالی	7136/5	2	4864/217	۱۳۲/۳۳۴	۰/000	۰/373
متغیرهای زمینه‌ای	۷۳۵۲/۷	2	۴۱۳۳/۱۲	۸۰/۳۴۵	۰/۰۰۲	۰/017
تعامل شیوه‌ی گزارشگری بینامتنیت مالی / متغیرهای زمینه‌ای	1113/421	2	1728/601	20/514	0/000	۰/182
خطا	4232/305	۱۴	82/333			

رویکردهای شیوهی گزارشگری بینامتنیت مالی (راهبردی یا عملیاتی) است، لازم است برای هر یک از این زمانها از آزمون تعقیبی LSD (آزمون t برای گروه مستقل) استفاده شود. به منظور تحلیل LSD ابتدا لازم است پیش فرض برابری واریانس گروهها مورد بررسی قرار گیرد. اما باتوجه به بررسی تساوی کواریانس در روش چندمتغیره، بررسی این پیشفرض لزومی ندارد. پس از طی مراحل فوق، اقدام به انجام آزمون تعقیبی می شود که در ادامه نتایج سه آزمون تعقیبی در قالب جدول (۷) ارائه شدهاند.

براساس انجام آزمون تعقیبی LSD و سطح پنج درصد در بینامتنیت راهبردی/بینامتنیت عملیاتی در گزارشگری مالی شرکت های فعال در صنعت فولاد باتوجه نمره ارزیابی مدیریت بهینه سرمایه در گردش در متغیرهای زمینه ای مشخص شد، براساس سطح معنی داری زیر ۰/۰۵، اختلاف معناداری وجود دارد. براساس تحلیل های آماری باید بیان نمود، هر سه بُعد متغیرهای زمینه ای تحت عنوان مبنای گروه و دو بُعد رویکردهای شیوهی گزارشگری بینامتنیت مالی بر نمره میانگین مدیریت بهینه سرمایه در گردش شرکت های فعال در صنعت فولاد اثر معنی داری دارد. همچنین بر مبنای فرآیند تحلیلی آزمون LSD مشخص شد، اختلاف میانگین مدیریت بهینه سرمایه در گردش در بینامتنیت راهبردی در گزارشگری مالی نسبت به بینامتنیت عملیاتی در گزارشگری مالی بیشتر است. در نهایت مشخص شد، میانگین نمره ای اهمیت مدیریت بهینه سرمایه در گردش در سطح تحصیلات مدیران به طور معناداری بیش از متغیرهای جنسیت و سابقه سرمایه گذاران شرکت های فعال در صنعت فولاد می باشد.

براساس نتیجه ی جدول (۶) سطح معناداری متغیرهای شیوهی گزارشگری بینامتنیت مالی شرکت های فعال در صنعت فولاد و گروه از ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین متغیر شیوهی گزارشگری بینامتنیت مالی و متغیر زمینه ای دارای اثر معنی داری بر میانگین نمره مدیریت بهینه سرمایه در گردش شرکت های فعال در صنعت فولاد می باشد. در واقع از آنجاییکه اثر تعامل شیوهی گزارشگری بینامتنیت مالی و متغیرهای زمینه ای باتوجه به اینکه سطح کوچکتر از ۰/۰۵ را نشان می دهد، باید بیان نمود عدم معنی داری اثر تعاملی تایید شده است. در این جدول مجذور اتا میزان تأثیر یا تفاوت هر متغیر بر متغیر وابسته را نشان می دهد. چون تأثیر یا تفاوت متغیرهای زمینه ای برابر با ۰/۰۱۷ می باشد؛ یعنی ۱/۷ درصد تفاوت های بینامتنیت راهبردی/عملیاتی گزارشگری مالی در نمرات متغیر مدیریت بهینه سرمایه در گردش مربوط به متغیرهای زمینه ای می باشد. باتوجه به جدول (۵) چون متغیر زمینه ای بر میانگین نمره مدیریت بهینه سرمایه در گردش شرکت های فعال در صنعت فولاد اثر معنی داری دارد پس میانگین نمره مدیریت بهینه سرمایه در گردش در سطح سن؛ جنسیت و تحصیلات مدیران متفاوت است. همچنین معنی داری تعامل رویکردهای شیوهی گزارشگری بینامتنیت مالی و متغیرهای زمینه ای روی متغیر مدیریت بهینه ای مدیریت سرمایه در گردش در جدول (۶) به معنای آن است که مدیریت بهینه سرمایه در گردش براساس همگرایی شیوهی راهبردی و عملیاتی بینامتنیت مالی متفاوت هستند. بنابراین جهت بررسی این مطلب که اختلاف میانگین نمره مدیریت بهینه سرمایه در گردش در زمینه های (تحصیلات؛ جنسیت و سن) در کدامیک از

جدول (۷) مقایسه میانگین مدیریت بهینه سرمایه در گردش براساس متغیرهای زمینه ای به تفکیک شیوهی گزارشگری بینامتنیت مالی

رویکردهای گزارشگری بینامتنیت مالی	گروه	میانگین	اختلاف میانگین	آماره آزمون t	درجه آزادی	سطح معنی داری	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای اختلاف میانگین	
							حد پایین	حد بالا
بینامتنیت راهبردی در گزارشگری مالی	تحصیلات	70/83	24/819	15/619	45	۰/000	21/719	30/127
	جنسیت	۴۸/۳۹						
	سن	40/38						
بینامتنیت عملیاتی در گزارشگری مالی	تحصیلات	۵۶/۷۹	18/352	۱۸/۵۲۴	45	۰/001	16/847	25/035
	جنسیت	۳۹/۳۵						
	سن	30/75						

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، طراحی مدل شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی و تأثیر آن بر راهبرد بهینه مدیریت سرمایه در گردش شرکت‌های فعال در صنعت فولاد بود. در این پژوهش همسو با سوال اول و دوم تلاش شد تا از طریق تحلیل بخش کیفی نسبت به طراحی مدل شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی اقدام شود. در این بخش از تحلیل نظری داده بنیاد براساس رویکرد گلنزر استفاده شد. طی ۱۲ مصاحبه‌ی انجام شده نقطه‌ی اشباع‌تئوریک حاصل شد و دو مقوله؛ ۴ مولفه و مجموعاً ۲۲ مضمون گزاره‌ای تعیین شدند که باهدف رسیدن به حد اجماع نظری، از تحلیل دلفی استفاده شد که طی دو مرحله تحلیلی، ۵ مضمون سنجش شیوه گزارشگری بینامتنیت مالی، حذف و ۱۷ مضمون این متغیر برای پاسخ به آزمون فرضیه پژوهش تأیید و وارد بخش کمی گردیدند. نتایج بخش کمی باتوجه به استفاده از تحلیل سناریوی مبتنی بر واریانس جهت پاسخ به فرضیه پژوهش نشان داد، رویکرد بینامتنیت راهبردی در گزارشگری مالی بر مدیریت بهینه‌ی سرمایه در گردش نسبت به رویکرد بینامتنیت عملیاتی در گزارشگری مالی شرکت‌های فعال در صنعت فولاد تفاوت معناداری دارد. در تحلیل این نتیجه باید بیان شود، از آنجاییکه مدیریت مالی به عنوان یک حوزه از تصمیم‌گیری‌های شرکت در مسیر تدوین راهبردهای آتی مالی شرکت تلقی می‌شود، تمرکز شرکت در یکنواختی و توسعه‌ی محتوایی مفاهیم قابل افشاء به طور ویژه‌تری می‌تواند نسبت به توسعه‌ی اهرم‌های گزارشگری بینامتنیت مالی (بینامتنیت عملیاتی) همچون رویکردهای فناوری اطلاعات و سایبرنتیک مثل زبان گزارشگری توسعه‌پذیر موثر باشد. چراکه بنا به ماهیت مفهوم بینامتنیت در گزارشگری افزایش ظرفیت‌هایی از حوزه افشای عملکردهای مالی شرکت مدنظر می‌باشد، که می‌تواند ارتقای تصمیم‌گیری‌های مالی را به همراه داشته باشد و درک منسجم‌تری را ایجاد کند. لذا لایه‌ی اولیه‌ی توسعه‌ی رویکرد بینامتنیت راهبردی در گزارشگری مالی به طرز قابل‌توجه‌تری می‌تواند به مدیریت بهینه‌ی سرمایه در گردش منجر شود. زیرا بینش ایجادشده به واسطه‌ی راهبردهای مالی، مسیر آتی شرکت در تصمیم‌گیری‌های مالی را ارتقاء می‌بخشد و زمینه برای

توسعه‌ی کارکردهای گزارشگری مالی جهت پویایی تعامل شرکت با ذینفعان باهدف رقابت‌پذیرتر نمودن صورت‌های مالی را هموار می‌نماید و به ایجاد مدیریت بهینه سرمایه در گردش برای ارتقای بازده از طریق تقویت ظرفیت‌های دارایی جاری در کسب بازده بیشتر و کنترل ریسک از طریق بدهی‌های جاری شرکت جهت پاسخگویی سریع‌تر به تعهدات شرکت منجر خواهد شد. چراکه مدیریت بهینه سرمایه در گردش، استفاده از ظرفیت‌ها و اجتناب از تهدیدهای احتمالی در آینده براساس نقاط قوت و ضعف ساختاری در درون شرکت می‌باشد. اما نکته حائز اهمیت تحلیل نتایج در بسترهای مورد بررسی یعنی شرکت‌های فعال در صنعت فولاد می‌باشد. از طرف دیگر کارکردهای مالی صنعت فولاد به دلیل عدم افشاء کامل اطلاعات معمولاً تحت تأثیر نوسانات اقتصادی بازار سرمایه قرار می‌گیرد که این موضوع نیز احتمالاً در تصمیم‌های سرمایه‌گذاران جهت افزایش نقدینگی شرکت‌ها در بازار سرمایه بی تأثیر نباشد و سبب گردد تا بسیاری از طرح‌های اقتصادی و پروژه‌های این صنعت با کاهش شدید نقدینگی و گردش سرمایه مواجه باشد. نتیجه‌ی آزمون فرضیه با پژوهش‌های لی و همکاران^{۲۹} (۲۰۱۸)؛ بیٹی و همکاران^{۳۰} (۲۰۰۴) و اسدی و همکاران (۱۳۹۷) مطابقت دارد.

براساس نتیجه کسب‌شده پیشنهاد می‌شود، شرکت‌ها از طریق تمرکز بر توسعه‌ی دو سطحی دوسوتوانی مالی خود، در دو بخش بینامتنیت راهبردی و عملیاتی ساختارهای متوازی از عملکردهای گزارشگری مالی را برنامه‌ریزی نمایند تا از این طریق بتوانند به شکل ویژه‌تری از پیامد این رویکرد در گزارشگری مالی، یعنی مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی در قیاس با سایر رقبا بهره‌مند شوند. لذا به شرکت‌ها توسعه می‌شود تا با انعطاف‌پذیری فرآیندهای رویه‌ای افشاء از نظر هموارسازی ادراک منسجم‌تر از نظر افشای اطلاعات در سطح راهبردی، هماهنگی بیشتری بین حاکمیت شرکتی و نهادهای نظارتی تدوین‌کننده‌ی استانداردهای مالی ایجاد نمایند و در سطح عملیاتی با توسعه‌ی زیرساخت‌های سایبرنتیک اطلاعات، به تقویت مکانیزم‌های زبان گزارشگری توسعه‌پذیر کمک نمایند. همانطور که در نتیجه‌گیری مطرح گردید، یکی از معضلات اساسی در صنعت فولاد، عدم

گردش و عملکرد مالی، دانش حسابداری مالی، ۵(۲): ۱۳۱-۱۵۰.

* بور، میترا، بصیری، محمدحسین، خدایاری، علی اصغر. (۱۳۹۶). ارزش‌گذاری طرح فولاد میانه به روش اختیارات حقیقی، نشریه مهندسی معدن ایران، ۱۲(۳۴): ۱-۱۲.

* تربت، شیدا، خاشعی، مهدی، بیجاری، مهدی. (۱۳۹۸). به کارگیری ابزارهای هوش محاسباتی به منظور پیش‌بینی مصرف فولاد خام کشور، مجله مهندسی صنایع و مدیریت شریف، ۳۵(۱)، ۱۵۷-۱۶۶.

* تفتیان، اکرم، ناظمی‌اردکانی، مهدی، فتوحی‌خانکهدانی، محبوبه. (۱۴۰۰). ارزیابی تأثیر مقوله‌های الگوی افشای اطلاعات آینده‌نگر، دانش حسابداری مالی، ۸(۱): ۶۵-۹۲.

* خدابخشی، نجمه، سلیمانی‌امیری، غلامرضا. (۱۳۹۹). تدوین الگوی مدیریت سرمایه در گردش، تحقیقات مالی، ۲۲(۴): ۶۱۲-۶۴۱.

* خلیلی، حسن، سعادت‌مند، محمد. (۱۳۹۹). سناریوپردازی و شناسایی رفتارهای احتمالی قیمت سهام مبتنی بر پویایی شناسی سیستمی (مورد مطالعه: سهام شرکت فولاد مبارکه)، نشریه پژوهش‌های پیشرفت: سیستم‌ها و راهبردها، ۱(۳): ۹۷-۱۲۷.

* دیدار، حمزه، وکیلی، سونیا. (۱۳۹۶). بررسی محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی تلفیقی در برابر صورت‌های مالی شرکت اصلی با تأکید بر نقش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (شواهد حاصل از دو بازار سرمایه ایران و سنگاپور)، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۷(۲): ۲۵-۴۶.

* شفیع‌ی، علی، میرابی، وحیدرضا. (۱۳۹۹). طراحی و اعتباریابی مدل تأمین مالی در شرکت‌های بزرگ صنعت فولاد. اقتصاد مالی، ۱۴(۵۱): ۸۳-۱۱۴.

* کاوسی‌داودی، سیدمجتبی، سراج، یاسین، اسمعیلی‌دهکلانی، زینب. (۱۳۹۹). تأثیر مدیریت سرمایه‌در‌گردش بر سودآوری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مدیریت نوآوری و راهبردهای عملیاتی، ۱(۳): ۲۸۴-۲۹۶.

حمایت مکفی از سرمایه‌گذاران و هدایت مناسب آنان جهت بهره‌برداری حداکثری از سرمایه‌گذاری‌شان است. همچنین شرکت‌های این صنعت برای تأمین سرمایه خود به جهت وجود نرخ سود بانکی بسیار بالا و وجود تحریم و عدم امکان تأمین خارجی دچار معضلات می‌باشند. که لازم است دولت براساس چشم‌اندازهای توسعه، نرخ سود بانکی برای تأمین سرمایه در صنعت فولاد را باهدف سامان‌دهی به پایداری کاهش دهد تا شرکت‌های فعال در این عرصه برای تأمین سرمایه با مشکلی مواجه نشوند و تسهیلات با شرایط مناسب را جهت توسعه طرح‌های خود کسب نمایند.

یادداشت‌ها

1. Jiménez-Angueira et al
2. Price et al
3. Nwagbara and Belal
4. Qian & Sun
5. Working Capital Management
6. Morshed
7. Deloof
8. Shroff
9. Paul & Mitra
10. Yousaf et al
11. Le et al
12. Financial Intertextuality Reporting
13. Merkl-Davies and Brennan
14. Devitt
15. Rutherford
16. Lupu and Sandu
17. Bernnan & Merkl-Davies
18. Candlin & Maley
19. Nevins
20. Fairclough
21. Ujah et al
22. Mabandla & Makoni
23. Seth et al
24. Nastiti et al
25. Glaser
26. Strauss & Corbin
27. Guthrie et al
28. Wastell
29. Le et al
30. Beattie et al

فهرست منابع

* اسدی، غلامحسین، نادری‌نورعینی، مهدی، سرفراز، منصور. (۱۳۹۷). نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین مدیریت سرمایه در

- * Assadi, G., Naderi Nooreyni, M., Sarfaraz, M. (2018). The moderating role of financial reporting quality on the relationship between working capital management and financial performance. *Financial Accounting Knowledge*, 5(2): 131-150. (In Persian).
- * Beattie, V. and McInnes, W. and Fearnley, S. (2004). A methodology for analyzing and evaluating narratives in annual reports: a comprehensive descriptive profile and metrics for disclosure quality attributes, *Accounting Forum* 28(3): 205-236
- * Bernnan, N, M., Merkl-Davies, D, M. (2018). Do firms effectively communicate with financial stakeholders? A conceptual model of corporate communication in a capital market context, *Accounting and Business Research*, 48(5): 553-577. <https://doi.org/10.1080/00014788.2018.1470143>
- * Candlin, C.N. and Maley, Y. (1997). Intertextuality and Interdiscursivity in the Discourse of Alternative Dispute Resolution', in B.-L. Gunnarsson, P. Linell and B. Nordberg (eds) *The Construction of Professional Discourse*, pp. 201–22. Harlow: Addison Wesley Longman.
- * Deloof, M. (2003). Does working capital management affect profitability of Belgian firms?, *Journal of business finance & accounting*: 30(3/4): 573-588
- * Devitt, A.J. (1991). Intertextuality in Tax Accounting. Generic, Referential and Functional, in C. Bazerman and J. Paradis (eds) *Textual Dynamics in the Professions*, pp. 36–357. Madison: University of Wisconsin Press
- * Fairclough, N. (1992). Intertextuality in Critical Discourse Analysis', *Linguistics and Education* 4(3/4): 269–93.
- * Guthrie, J., Manes Rossi, F., Orelli, R.L. and Nicolò, G. (2020). Investigating risk disclosures in Italian integrated reports, *Meditari Accountancy Research*, 28(6): 1149-1178. <https://doi.org/10.1108/MEDAR-10-2019-0596>
- * Jiménez-Angueira, C.E., Nwaeze, E. and Park, S.-J. (2021). The effect of conservative financial reporting and tax aggressiveness on the market valuation of unrecognized tax benefits, *Asian Review of Accounting*, 29(2): 150-172. <https://doi.org/10.1108/ARA-07-2020-0111>
- * Le, H.-L., Vu, K.-T., Le, T.-B.-N., Du, N.-K., & Tran, M. (2018). Impact of Working Capital Management on Financial Performance: The case of Vietnam. *International Journal of Applied Economics, Finance and Accounting*, 3(1): 15-20. <https://doi.org/https://doi.org/10.33094/8.2017.2018.31.15.20>
- * Lupu, I. and Sandu, R. (2017). Intertextuality in corporate narratives: a discursive analysis of a contested privatization, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 30(3): 534-564. <https://doi.org/10.1108/AAAJ-05-2014-1705>
- * Mabandla, N. Z. & Makoni, P. L. (2019). Working Capital Management and Financial Performance: Evidence from Listed Food and Beverage Companies in South Africa. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 23(2): 1-10.
- * Merkl-Davies, D.M. and Brennan, N.M. (2017). A theoretical framework of external accounting communication: research perspectives, traditions and theories. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 30(2): 433–469. <https://doi.org/10.1108/AAAJ-04-2015-2039>
- * Morshed, A. (2020). Role of working capital management in profitability considering the connection between accounting and finance, *Asian Journal of Accounting Research*, 5(2): 257-267. <https://doi.org/10.1108/AJAR-04-2020-0023>
- * Nastiti, P.K.Y., Atahau, A.D.R. & Supramono, S. (2019). Working Capital Management and Its Influence on Profitability and Sustainable Growth, *Business: Theory and Practice*, 20(2): 61–68.
- * Nevins, M, E. (2010). Intertextuality and misunderstanding, *Language & Communication*, 30(1): 1-6. <https://doi.org/10.1016/j.langcom.2009.10.001>
- * Nwagbara, U. and Belal, A. (2019). Persuasive language of responsible organisation? A critical discourse analysis of corporate social responsibility (CSR) reports of Nigerian oil companies, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 32(8): 2395-2420. <https://doi.org/10.1108/AAAJ-03-2016-2485>
- * Paul, P., Mitra, P. (2018). Analysis of the Effect of Working Capital Management on Profitability of the Firm: Evidence from Indian Steel Industry, <https://doi.org/10.1177/2319510X18812142>
- * Price, M., Harvey, C., Maclean, M. and Campbell, D. (2018). From Cadbury to Kay: discourse, intertextuality and the evolution of UK corporate governance, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 31(5): 1542-1562. <https://doi.org/10.1108/AAAJ-01-2015-1955>
- * Qian, Y., Sun, Y. (2021). Bibliometric analysis of literature on narrative discourse in corporate annual reports (1990–2019), *Quality &*

- Quantity, <https://doi.org/10.1007/s11135-021-01135-5>
- * Rutherford, B, A. (2013). A genre-theoretic approach to financial reporting research, *The British Accounting Review*, 45(4): 297-310. <https://doi.org/10.1016/j.bar.2013.06.006>
 - * Seth, H., Chadha, S. and Sharma, S. (2021). Benchmarking the efficiency model for working capital management: data envelopment analysis approach, *International Journal of Productivity and Performance Management*, 70(7): 1528-1560. <https://doi.org/10.1108/IJPPM-10-2019-0484>
 - * Shroff, S. (2015). Working Capital Management in Indian Steel Industry, *Gitam Journal of Management*, 12(2): 99-111.
 - * Ujah, N.U., Tarkom, A. and Okafor, C.E. (2021). Working capital management and managerial talent, *International Journal of Managerial Finance*, 17(3): 455-477. <https://doi.org/10.1108/IJMF-12-2019-0481>
 - * Yousaf, M., Bris, P., McMillan, D. (2021). Effects of working capital management on firm performance: Evidence from the EFQM certified firms, *Cogent Economics & Finance*, 9(1): 39-67. <https://doi.org/10.1080/23322039.2021.1958504>

Designing a Reporting Financial Intertextuality Model and Its Effect on Working Capital Management Strategy: Case Study of Steel Industry Companies

Mohsen Shiribabadi ¹
Allah Karam Salehi ^{*2}
Saber Molaalizadeh ³
Alireza Jorjorzadeh ⁴

Abstract

Financial reporting practices as an information strategy, while it can help increase the company's interaction with stakeholders, can also be effective in the future direction of the company in terms of adopting the optimal level of working capital. Financial intertextuality reporting is a systematic approach based on the interaction between the company and stakeholders, which allows the presentation of comparable financial statements in a competitive market and through it, it can influence the optimal working capital policies of the company due to the increasing confidence in the market. The purpose of this research is designing a reporting financial intertextuality model and its effect on the working capital management strategy. The methodology of this research was mixed. In the qualitative part, grounded theory analysis based on Glaser approach was used to formulate the model, and in the quantitative part was used analysis of variance. In fact, the purpose of the analysis in the qualitative part was to present the model and in the quantitative part was to analyze the differences between financial intertextuality reporting methods in the optimal adoption of working capital management. The target population in the quality department was 12 academic specialists who were considered experts, both scientifically and empirically. But the target population in a small part were the managers of the accounting department of capital market companies who based on work experience and level of technical and specialized knowledge according to the level of error 5% and test power 90%, 2 groups of 50 people based on the separation of demographic variables on differences in reporting methods. Financial intertextuality was selected and contributed to the optimal management of working capital. The results of the research in the qualitative part indicate the existence of 2 categories, 4 components and 22 concept codes that have established the method of reporting financial intertextuality in the form of an integrated quadrilateral model. Also, the results in the quantitative section with respect to the two categories of strategic approach and operational intertextuality of financial reporting showed that the strategic intertextuality approach in financial reporting on optimal working capital management is significantly different from the operational intertextuality approach in financial reporting. This result shows that since financial management is considered as an area of corporate decision-making in formulating the firm's future financial strategies, the firm's focus on uniformity and content development of dis closable concepts can be more specifically than the development of intertextual reporting levers (Operational) such as information technology and cybernetic approaches such as scalable reporting language.

Keywords: Strategic intertextuality approach; Operational intertextuality approach; Working Capital Management Strategy.

¹ PhD Student of Industrial Management, Masjed-Soleiman Branch, Islamic Azad University, Masjed-Soleiman, Iran.

² Assistant Professor, Department of Accounting, Masjed-Soleiman Branch, Islamic Azad University, Masjed-Soleiman, Iran. (Author): A.K.salehi@iaumis.ac.ir

³ Assistant Professor, Department of Industrial Engineering, Masjed-Soleiman Branch, Islamic Azad University, Masjed-Soleiman, Iran.

⁴ Assistant Professor, Department of Economics, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.